

# چهل حدیث دربارہی عرش اللہ تعالیٰ

جمع آوری کنندہ:

ابو احمد معتز عبدالفتاح

مترجم: پدram اندایش



## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 1

بسم الله الرحمن الرحيم

### مقدمه:

شکر و ستایش برای الله تعالی است و

صلوات و سلام بر فرستاده‌ی الله ﷺ.

این مطلبی کوتاه درباره‌ی عرش الله

تعالی است که بر اساس اقوال صحیح

علماء، آن بزرگترین و اولین مخلوق

می‌باشد و برای آن ملائکی وجود

دارد که آن را حمل می‌کنند و کسانی

که برای الله تعالی یکدیگر را دوست

## 12//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

دارند، در سایه‌ی عرش خواهند بود و  
رَحْمَ به عرش آویزان است و می-  
گوید: کسی که صله‌ی من (صله‌ی  
رحم) را انجام دهد، الله تعالی صله‌ی  
او را بجا می‌آورد و کسی که ارتباط  
مرا قطع کند، الله تعالی ارتباط با او را  
قطع می‌کند. الله تعالی تقدیر مخلوقات  
را پنجاه هزار سال قبل از آفریدن  
آسمانها و زمین نوشته است و عرش  
او بر آب قرار داشت. بهشت دارای  
صد درجه است و بین هر دو درجه به

### چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 3

اندازه‌ی آسمان و زمین فاصله وجود دارد [و تمامی مردم دنیا در یک طبقه‌ی آن جا می‌شوند]، فردوس بالاتری جای بهشت و وسط آن است و بالای آن عرش الله رحمن وجود دارد و نهرهای بهشت از آن جاری می‌شوند، همان گونه که در احادیث خواهیم دید.

آلبانی رحمه الله در کتابش «مختصر العلو للعلی الغفار للحافظ الذهبی» که آن را اختصار نموده است و تحقیق

#### 4//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

کرده است و بر آن تعلیق نوشته است،  
درباره‌ی آن سخن گفته است و  
احادیث آن را تحقیق نموده است.

آیات قرآنی و احادیث نبوی و آثار  
پیشینیان همگی بر این اتفاق نظر  
دارند که الله تعالی به ذاته بالای  
عرشش می‌باشد، در حالی که نزد  
آفریدگانش نمایان می‌باشد و او به  
علم خود همراه آنها است.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ  
الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 5

لِيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ﴿۱﴾  
[الاعراف: 54] و [یونس: 3] (همانا  
پروردگار شما الله است، کسی که  
آسمانها و زمین را در شش روز  
آفرید، سپس بر عرش استقرار یافته  
است).

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ  
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ  
عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ﴾ [هود: 7] (و او  
کسی است که آسمانها و زمین را در

## 6//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

شش روز آفرید و عرش او بر آب  
قرار داشت).

الله تعالی در توصیف کتاب عزیزش  
می‌فرماید: ﴿تَنْزِيلًا مِّنْ مَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ  
وَالسَّمَاوَاتِ الْعُلَى \* الرَّحْمَنُ عَلَى  
الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾ [طه: 4-5] (از کسی  
نازل شده است که زمین و آسمانهای  
بالا را آفرید \* [الله] بسیار رحمت  
کننده بر عرش استقرار یافت).

به طور صحیح از ابوذر رضی الله عنه آمده است  
که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «یا ابا ذر ما

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 7

السموات عند الكرسي إلا كحلقة ملقاة  
بأرض فلاة وفضل العرش على  
الكرسي كفضل الفلاة على الحلقة»  
(ای ابوذر! آسمانهای در برابر کرسی  
به مانند انگشتی در بیابان می‌باشند  
و فضیلت عرش بر کرسی به مانند  
فضیلت بیابان بر انگشت است).

به صورت صحیح و موقوف از ابن  
عباس رضی الله عنهما آمده است:  
«کرسی در محل دو پا قرار دارد و  
اندازه‌ی عرش را هیچ کس نمی‌داند».

## 8//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

به طور صحیح از سفیان آمده است:  
من نزد ربیعۀ بن اُبی عبد الرحمن بودم  
و مردی از او سوال نمود که [الله]  
بسیار رحمت کننده بر روی عرش  
استقرار دارد، این استقرار چگونه  
است؟ او گفت: استقرار مجهول نمی-  
باشد و کیفیت آن با عقل فهمیده  
نمی‌شود و ایمان به آن واجب است و  
سوال درباره‌ی آن بدعت است. در  
لفظی دیگر با سند صحیح از ابن عیینۀ  
آمده است: مردی از ربیعۀ درباره‌ی

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 9

چگونگی استقرار بر عرش سوال نمود؟ او گفت: استقرار مجهول نمی‌باشد و کیفیت آن با عقل قابل درک نیست و رساندن از طرف الله تعالی است و بر رسول [ﷺ] ابلاغ وجود دارد و بر ما تصدیق نمودن آن واجب است. رجوع شود به کتاب «غیر مأمور ففیه فوائد عظیمه».

من احادیثی را از صحیح الجامع الصغیر شیخ البانی نقل نموده‌ام که در

## 10//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

آنها درباره‌ی کلمه‌ی عرش سخن گفته شده است.

راه من این گونه بوده است که بعد از بیان حدیث قسمتی از شرح آن را آورده‌ام.

آن را در تحقیق شیخ آل‌بانی در صحیح الجامع الصغیر آورده‌ام و شرح آن از «فتح القدیر» از مناوی می‌باشد. ترتیب احادیث و شرح آن بر اساس ترتیب حروف الفبا می‌باشد.

## حدیثها:

1- «أَتَدْرُونَ أَيْنَ تَذْهَبُ هَذِهِ الشَّمْسُ؟  
إِنَّ هَذِهِ تَجْرِي حَتَّى تَنْتَهِيَ إِلَى  
مُسْتَقَرِّهَا تَحْتَ الْعَرْشِ فَتَخِرُّ سَاجِدَةً  
وَلَا تَزَالُ كَذَلِكَ حَتَّى يُقَالَ لَهَا ارْتَفَعِي  
أَرْجِعِي مِنْ حَيْثُ جِئْتِ فَتَرْجِعِ فَتُصْبِحُ  
طَالِعَةً مِنْ مَطْلِعِهَا ثُمَّ تَجْرِي حَتَّى تَنْتَهِيَ  
إِلَى مُسْتَقَرِّهَا تَحْتَ الْعَرْشِ فَتَخِرُّ  
سَاجِدَةً وَلَا تَزَالُ كَذَلِكَ حَتَّى يُقَالَ لَهَا  
ارْتَفَعِي أَرْجِعِي مِنْ حَيْثُ جِئْتِ فَتَرْجِعِ  
فَتُصْبِحُ طَالِعَةً مِنْ مَطْلِعِهَا ثُمَّ تَجْرِي لَا

## 12//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

يَسْتَنكِرُ النَّاسُ مِنْهَا شَيْئًا حَتَّى تَنْتَهِيَ  
إِلَى مُسْتَقَرِّهَا ذَاكَ تَحْتَ الْعَرْشِ فَيُقَالُ  
لَهَا ارْتَفَعِي أَصْبِحِي طَالِعَةً مِنْ مَغْرِبِكِ  
فَتُصْبِحُ طَالِعَةً مِنْ مَغْرِبِهَا. أَتَدْرُونَ مَتَى  
ذَاكُمُ ذَاكَ؟ حِينَ ﴿لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا  
لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي  
إِيْمَانِهَا خَيْرًا﴾ [الانعام: 158]» (آیا

می دانید این خورشید کجا می رود؟

این حرکت می کند تا آن که به انتهای

مسیر خود به زیر عرش می رسد و به

سجده افتاده و این چنین رفتار می کند

### چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 13

تا آن که به او گفته می‌شود: بالا برو و برگرد از هر جایی که آمده‌ای! باز می‌گردد و از محل طلوع خود، طلوع می‌نماید، سپس به حرکت می‌افتد و مردم آن را منکر نمی‌شوند تا آن که به پایان محل خود می‌رسد و آن زیر عرش است و تا آن که به او گفته می‌شود: بالا بیا و از مغرب خودت طلوع کن، آیا می‌دانید که آن

## 14//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

زمانه‌ی که خورشید از مغرب طلوع می‌کند<sup>۱</sup>، چه زمانی است؟ آن وقتی است که (شخصی ایمان او اگر از قبل ایمان نیاورده باشد، به وی سود نمی‌دهد و در ایمان او برای او خیری

---

<sup>۱</sup> - محل طلوع خورشید از مغرب، دروازه - ای در شام می‌باشد و آن وقتی که خورشید در این مکان غروب می‌کند، چرخش زمین بر عکس می‌شود و خورشید از مکان طلوع می‌نماید. (مترجم)

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 15

ایجاد نمی‌شود))<sup>۲</sup> (صحیح) نگاه شود  
حدیث شماره‌ی: 84 در صحیح  
الجامع.

2 – «أذن لی أن أحدث عن ملك  
من حملة العرش رجلاه فی الأرض  
السفلی و علی قرنه العرش و بین  
شحمه أذنیه و عاتقه خفقان الطیر  
سبعمائه عام یقول ذلک الملك

---

<sup>2</sup> - این حدیث نشان می‌دهد که عرش الله  
تعالی بالای نیم کره‌ی مقابل مکه و مدینه  
می‌باشد. (مترجم)

## 16//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

سبحانک حیث کنت» (به من اجازه داده شد تا درباره‌ی فرشته‌ای که عرش را حمل می‌کند، سخن بگویم! دو پای او در زمین سفلی است و بر شاخ او عرش وجود دارد و بین لاله‌ی گوشش و گردنش هفتصد سال طول می‌کشد تا پرنده‌ای با پرواز ردن آن را کند، آن فرشته [به الله تعالی] می‌گوید: (پاک و منزه هستی هر کجا که باشی)). (صحیح) نگاه شود حدیث شماره‌ی: 853 در صحیح الجامع.

### چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 17

3- «أذن لی أن أحدث عن ملک من ملائکة الله تعالی حملة العرش ما بین شحمة أذنه إلى عاتقه مسیره سبعمائه سنة» (به من اجازه داده شد تا درباره‌ی فرشته‌ای از ملائک الله تعالی که عرش را حمل می‌کند، سخن بگویم: بین لاله‌ی گوش و گردنش هفتصد سال فاصله وجود دارد).  
(صحیح) نگاه شود به حدیث شماره -  
ی: 854 در صحیح الجامع.

## 18//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

شرح: «أذن لی» بنا بر مفعول می‌باشد و اجازه دهنده، همان الله تعالی است و اگر نه کسی دیگری وجود ندارد که اجازه به سخن گفتن داده باشد... احتمال بر این است که او را دیده باشد یا توسط وحی به او رسیده باشد. تا با اصحابم یا امتم سخن بگویم. «عن ملک» با فتحه‌ی لا، به این معنا است تا درباره‌ی منزلت او یا بزرگ بودن خلقتش [سخن بگویم]. «من ملائكة الله تعالی» به آن اضافه

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 19

شده است تا تخفیم و بزرگداشت را بیان دارد. «من حملة العرش» به این معناست از کسانی که عرش رحمن را حمل می‌کنند و آن بزرگترین مخلوق است و به تمام عوامل محیط می‌باشد. معنای عرش همان تخت است. «ها بین شحمة أذنه إلى عاتقه مسيرة سبعمئة سنة» و در روایتی «سبعین عاماً» (بین لاله‌ی گوش و گردن او هفتصد سال فاصله وجود دارد) به معنای آن که آن مسیر با سوار بودن

## 20//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

بر اسب طی شود، همان گونه که در نقلی دیگر آمده است، گمان شما به طول و بزرگ بودن جثه‌ی آن چه می‌باشد؟ «اذن لی» (به من اجازه داده شد) این فایده را دارد که علم غیب مخصوص الله تعالی است، ولی او به هر کس که بخواهد، هر اندازه که بخواهد را به او می‌آموزد. «شحمه الأذن» پایین‌ترین قسمت گوش است که گوشواره به آن آویزان می‌شود و «العاتق» بین شانه و گردن است و آن

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 21

جایی است که عبا بر آن آویزان می-  
شود، هم مذکر است و هم مؤنث. اگر  
گفته شود: ملائک اجسامی نورانی  
هستند و نور با گوش و گردن توصیف  
نمی‌شود، می‌گوییم: مانعی وجود ندارد  
که نور به شکل انسان ایجاد شود و  
مثال آوردن گوش و گردن، برای آن  
است که فهم آن، آسانتر شود.

4 \_ «أعطیت هذه الآيات من آخر

سورة البقرة من كنز تحت العرش لم

يعطها نبی قبلی» (این آیات آخر

## 22//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

سوره‌ی بقره از گنجی زیر عرش به من داده شده است و آن به پیامبری قبل از من داده نشده است). (صحیح) نگاه شود به حدیث شماره‌ی: 1060 در صحیح الجامع.

شرح: «أعطيت هذه الآيات من آخر سورة البقرة» آیاتی هستند که اول آن ﴿آمنَ الرَّسُولُ﴾ می‌باشد. «من کنز تحت العرش» حافظ عراقی گفته است: معنای آن این است که آن ذخیره شده بود و به گنج تبدیل شده

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 23

بود و به شخصی قبل از او داده نشده بود. «لم یعطها نبی قبلی» در المطامح گفته است: الله تعالی به این گنج آگاهتر است.

5 — «اقراءوا هاتین الآیتین اللتین فی آخر سورة البقرة فإن ربی أعطانیهما من تحت العرش» (این دو آیه‌ی آخر سوره‌ی بقره را بخوانید، زیرا پروردگرم آن را از زیر عرش به من عطا نموده است). (صحیح) نگاه شود

به حدیث شماره‌ی: 1172 در صحیح الجامع.

6 — «أنا سيد الناس يوم القيامة و هل تدرّون مم ذلك؟ يجمع الله الأولين و الآخريين في صعيد واحد يسمعهم الداعي و ينفذهم البصر و تدنو الشمس منهم فيبلغ الناس من الغم و الكرب ما لا يطيقون و لا يحتملون فيقول بعض الناس لبعض: ألا ترون ما قد بلغكم؟ ألا تنظرون من يشفع لكم إلى ربكم؟ فيقول بعض الناس لبعض: ائتوا آدم

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 25

فیأتون آدم فيقولون : يا آدم أنت أبونا  
أنت أبو البشر خلقك الله بيده و نفخ  
فيك من روحه و أمر الملائكة  
فسجدوا لك اشفع لنا إلى ربك ألا  
ترى ما نحن فيه ؟ ألا ترى ما قد  
بلغنا؟ فيقول لهم آدم: إن ربي قد  
غضب اليوم غضبا لم يغضب قبله مثله  
و لن يغضب بعده مثله و إنه نهانى عن  
الشجرة فعصيته نفسى نفسى نفسى  
اذهبوا إلى غيرى اذهبوا إلى نوح ؛  
فيأتون نوحا فيقولون: أنت أول الرسل

## 26//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

إلى أهل الأرض و سماك الله {عبدا  
شكورا} اشفع لنا إلى ربك ألا ترى ما  
نحن فيه؟ ألا ترى ما قد بلغنا؟ فيقول  
لهم نوح: إن ربي قد غضب اليوم  
غضبا لم يغضب قبله مثله و لن يغضب  
بعده مثله و إنه قد كانت لي دعوة  
دعوت بها على قومي نفسي نفسي  
نفسى اذهبوا إلى غيرى اذهبوا إلى  
إبراهيم؛ فيأتون إبراهيم فيقولون: يا  
إبراهيم؟ أنت نبى الله و خليله من  
أهل الأرض اشفع لنا إلى ربك ألا

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 27

تری ما نحن فيه ؟ ألا تری ما قد بلغنا  
؟ فيقول لهم إبراهيم : إن ربی قد  
غضب اليوم غضبا لم يغضب قبله مثله  
و لن يغضب بعده مثله و إنی قد كنت  
كذبت ثلاث كذبات نفسی نفسی نفسی  
اذهبوا إلى غیری اذهبوا إلى موسى ;  
فیاتون موسى فيقولون : یا موسى !  
أنت رسول الله فضلک الله برسالاته و  
بكلامه على الناس اشفع لنا إلى ربک  
ألا تری ما نحن فيه ؟ ألا تری ما قد  
بلغنا ؟ فيقول : إن ربی قد غضب اليوم

غضبا لم یغضب قبله مثله و لن یغضب  
بعده مثله و انی قتلت نفسا لم أومر  
بقتلها نفسی نفسی اذهبوا إلی  
غیری اذهبوا إلی عیسی؛ فیأتون  
عیسی! فیقولون : یا عیسی أنت رسول  
الله و کلمته ألقاها إلی مریم و روح منه  
و کلمت الناس فی المهد اشفع لنا إلی  
ربک ألا تری ما نحن فیه ؟ ألا تری  
ما قد بلغنا ؟ فیقول لهم عیسی : إن  
ربی قد غضب الیوم غضبا لم یغضب  
قبله مثله و لن یغضب بعده مثله نفسی

## چهل حدیث درباره ی عرش الله // 29

نفسی نفسی اذهبوا إلى غیرى اذهبوا  
إلى محمد ; فیأتونی فیقولون : یا  
محمد ! أنت رسول الله و خاتم الأنبياء  
و غفر الله لك ما تقدم من ذنبك و ما  
تأخر اشفع لنا إلى ربك ألا ترى ما  
نحن فيه ؟ ألا ترى ما قد بلغنا ؟ ;  
فأنطلق فآتی تحت العرش فأقع ساجدا  
لربی ثم یفتح الله علی و یلهمنی من  
محامده و حسن الثناء علیه شیئا لم  
یفتحه لأحد قبلی ثم یقال : یا محمد !  
ارفع رأسک سل تعط و اشفع تشفع

### 30//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

فأرفع رأسی فأقول : یا رب ! أمتی  
أمتی فیقال : یا محمد أدخل الجنة من  
أمتک من لا حساب علیه من الباب  
الأیمن من أبواب الجنة و هم شركاء  
الناس فیما سوى ذلك من الأبواب و  
الذی نفسی بیده إن ما بین مصراعین  
من مصاریع الجنة لكما بین مكه و  
هجر أو كما بین مكه و بصری» (من  
سرور انسانها در روز قیامت می باشم.  
آیا می دانید آن چگونه است؟ الله  
[تعالی] اولین و آخرین انسانها را بر

### چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 31

روی یک تپه جمع می‌فرماید، دعوت کننده به آنها می‌شنواند و تمامی آنها را زیر نظر دارد و خورشید نزدیک می‌شود و به مردم اندوه و مشکلاتی به مانند طوفان می‌رسد که طاقت آن را ندارند و نمی‌توانند آن را تحمل کنند. بعضی از مردم به بعضی دیگر می‌گویند: «آیا نمی‌بینید که به شما چه رسیده است؟ آیا به دنبال کسی نمی‌- روید که شفاعت شما را نزد پروردگارتان بجا آورد؟». بعضی از

## 32//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

مردم به بعضی دیگر می‌گویند: «نزد آدم [علیه‌السلام] بروید!». نزد آدم [علیه‌السلام] می‌روند و می‌گویند: «ای آدم! تو پدر ما هستی، تو پدر بشر می‌باشی، الله [تعالی] تو را با دستش آفریده است و از روحی که مالک آن بوده است در تو دمیده است و به ملائک امر فرموده است [تا به تو سجده کنند و] آنها به تو سجده نمودند، برای ما نزد پروردگارت شفاعت نما! آیا آنچه را که در آن قرار داریم را نمی‌بینی؟ آیا

### چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 33

نمی‌بینی که به ما چه رسیده است؟»  
آدم [علیه‌السلام] به آنها می‌گوید: «امروز  
پروردگارم خشمی دارد که قبل از آن  
به مانند آن خشمگین نشده است و  
هرگز بعد از آن چنین خشمگین  
نخواهد بود و [همچنین] او مرا از  
درختی نهی فرمود و من نافرمانی او  
را نمودم، [الله تعالی به داد] خودم،  
خودم، خودم [برسد] به نزد غیر از من  
بروید، به نزد نوح بروید!»؛ نزد نوح  
می‌روند می‌گویند: «تو اولین رسول

### 34//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

برای اهل زمین بودی و الله تعالی تو را بنده‌ای شکور(بسیار شکر کننده) نامیده است، شفاعت ما را نزد پروردگارت بجا آور! آیا آنچه را که در آن هستیم نمی‌بینی؟ آیا نمی‌بینی که به ما چه رسیده است؟».

نوح [علیه السلام] به آنها می‌گوید:

«پروردگارم امروز خشمی دارد که چنین خشمی را هیچ وقت نداشته است و هرگز بعد از آن چنین خشمگین نمی‌شود. برای من یک دعا

### چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 35

وجود داشت و من از آن بر علیه قومم  
استفاده کردم، خودم، خودم، خودم، به  
سوی کسی غیر از من بروید! به سوی  
ابراهیم [علیه السلام] بروید!؛ در نتیجه به نزد  
ابراهیم [علیه السلام] می‌روند و می‌گویند:  
«ای ابراهیم! تو پیامبر الله [تعالی] و  
خلیل<sup>۳</sup> او در بین اهل زمین می‌باشی،  
نزد پروردگارت برای ما شفاعت کن!

---

<sup>3</sup> - خلیل در زبان عربی بالاترین درجه‌ی

دوستی می‌باشد. (مترجم)

### 36//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

آیا آنچه را که در آن هستیم را نمی -  
بینی؟ آیا نمی بینی که به ما چه رسیده  
است؟ ابراهیم [علیه السلام] به آنها می گوید:  
«پروردگارم امروز خشمی دارد که  
هرگز قبل از آن این چنین خشمگین  
نبوده است و هرگز به مانند آن  
خشمگین نخواهد شد، من سه دروغ  
گفته ام، (الله تعالی به فریادِ خودم،  
خودم، خودم، [برسد] به نزد کسی غیر  
از من بروید! به سوی موسی [علیه السلام]  
بروید!»؛ نزد موسی [علیه السلام] می روند و

### چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 37

می‌گویند: «ای موسی! تو رسول الله [تعالی] هستی و الله [متعال] با رسالت و سخن گفتنش [با تو]، تو را بر مردم برتری داده است، برای ما نزد پروردگارت شفاعت کن! آیا آنچه را که در آن هستیم را نمی‌بینی؟ آیا نمی‌بینی که به ما چه رسیده است؟».

می‌گوید: «پروردگارم امروز خشمی دارد که به مانند آن قبل از این خشمی نداشته است و هرگز بعد از این، این - چنین خشمگین نخواهد شد، من کسی

## 38//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

را کشتم که به کشتن آن امر نشده  
بودم، خودم، خودم، خودم، به نزد  
کسی غیر از من بروید! به نزد  
عیسی [علیه السلام] بروید!«؛ نزد  
عیسی [علیه السلام] می‌روند. می‌گویند: «ای  
عیسی! تو فرستاده‌ی الله [تعالی] و  
کلمه‌ی وی می‌باشی که در مریم القاء  
نمود و روحی از جانب وی می‌باشی  
و در شیرخوارگی با مردم سخن  
گفتی، برای ما نزد پروردگارت  
شفاعت کن! آیا آنچه را که ما در آن

### چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 39

هستیم را نمی‌بینی؟ آیا نمی‌بینی که به ما چه رسیده است؟». عیسی [علیه السلام] به آنها می‌گوید: «پروردگارم امروز خشمی دارد که قبل از آن به مانند آن را نداشته است و هرگز بعد از آن به مانند آن خشمگین نمی‌شود، خودم، خودم، خودم، به نزد کسی غیر از من بروید! به سوی محمد [صلی الله علیه و آله] بروید!» نزد من می‌آیند و می‌گویند: «ای محمد! تو فرستاده‌ی الله و تمام کننده‌ی پیامبران هستی و الله [تعالی] گناهان

## 40//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

قبل و بعدت را آمرزیده است، برای ما  
نزد پروردگارت شفاعت نما! آیا آنچه  
را که در آن هستیم را نمی‌بینی؟ آیا  
نمی‌بینی که به ما چه رسیده است؟»  
می‌روم تا آن که به زیر عرش می‌-  
رسم، برای پروردگارم به سجده می‌-  
افتم، سپس الله [تعالی] برای من  
گشایش ایجاد می‌فرماید و حمدها و  
ستایشهایش را به من الهام می‌نماید و  
آن برای من خواهد بود که برای کسی  
قبل از من چنین گشایشی ایجاد نشده

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 41

است، سپس فرموده می‌شود: ای محمد! سرت را بلند کن و درخواست نما! شفاعت نما! شفاعت تو قبول می‌شود، سرم را بلند می‌کنم و می‌گویم: ای پروردگارا! امت من امت من. گفته می‌شود: ای محمد! از امت کسانی را که حساب و کتابی برای آنها وجود ندارد را از راست‌ترین درب از درب‌های بهشت، داخل بهشت کن و آنان با مردم در بقیه‌ی دربها شریک هستند. قسم به کسی که

## 42//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

جان من در دست اوست، بین دو  
لنگه‌ی درب به فاصله‌ی مکه تا هجر  
و یا مکه تا بصره می‌باشد). (صحیح)  
نگاه شود به حدیث شماره‌ی: 1466  
در صحیح الجامع.

7 — «أنفق یا بلال ! و لا تخش من  
ذی العرش إقلا لا» (ای بلال انفاق کن!  
از کوتاهی کسی که دارای عرش می-  
باشد، نترس!). (صحیح) نگاه شود به  
حدیث شماره‌ی: 1512 در صحیح  
الجامع.

### چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 43

شرح: «أنفق» با فتحه‌ی همزه و امر به انفاق کردن می‌باشد. «إقلاقاً» فقر از روی کمی و به معنای نیازمند شدن می‌باشد و آن در اصل به معنای آن است که بی‌چیز شود و نیکو نمی‌باشد که کسی که دارای عرش می‌باشد، در این مقام واقع شود. به معنای آن است که نترس از این که کسی به مانند تو را ضایع گرداند و او تدبیر کننده‌ی آسمان و زمین است و هرگز [به چنین صفتی توصیف نمی‌شود]. او فقط برای

## 44//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

این به وی امر فرمود، زیرا الله تعالی وعده داده است که برای آن جایگزینی در دنیا قرار می‌دهد و برای او ثوابی در آخرت نگه می‌دارد و کسی که از انفاق به علت ترس از فقر خودداری کند، او کسی است که الله تعالی و فرستاده‌اش را تصدیق ننموده است. سفیان گفته است: برای شیطان سلاحی به قدرتِ ترس از فقر وجود ندارد و اگر شخص آن را بپذیرد، باطل را برگزیده است و آن او را از

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 45

حق منع می‌کند و از روی هوای نفس سخن می‌گوید و به پروردگارش گمان بد می‌برد. این احادیث در صدر اسلام وجود داشت و آن هنگامی بود که ذخیره کردن ممنوع بود و مهمان نمودن واجب بود، سپس این دو امر منسوخ شد [و ذخیره نمودن به شرط دادن زکات آن ممنوع نمی‌باشد و مهمان نمودن واجب نیست] و عده‌ی زیادی از مردم که علم به منسوخ

شدن را ندارند، متوجه‌ی آن نمی-  
شوند.

9 – «إن أرواح الشهداء فى جوف  
طير خضر لها قناديل معلقة تحت  
العرش تسرح من الجنة حيث شاءت  
ثم تأوى إلى تلك القناديل فاطلع  
إليهم ربهم اطلاعةً فقال : هل تشتهون  
شيئا ؟ قالوا : أى شىء نشتهى و نحن  
نسرح من الجنة حيث شئنا ؟ فيفعل  
ذلك بهم ثلاث مرات فلما رأوا أنهم لم  
يتركوا من أن يسألوا قالوا : يا رب

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 47

نرید أن ترد أرواحنا فی أجسادنا حتی  
نرجع إلى الدنيا فنقتل فی سبیلک مرة  
أخری ! فلما رأى أن لیس لهم حاجة  
ترکوا» (روحهای شهیدان در درون  
پرندگان سبزی می‌باشند که برای آنها  
در زیر عرش فانوس‌هایی آویزان  
است، آنها هر کجا در بهشت که  
بخوانند سیاحت می‌کنند، سپس در  
آن فانوس‌ها منزل می‌گزینند و  
پروردگار آنها از آنان به شدت مطلع  
می‌باشد و می‌فرماید: آیا درخواست

چیزی دارید؟ می‌گویند: درخواست  
چه چیزی داشته باشیم و ما در هر  
کجای بهشت که بخواهیم، سیر می‌-  
کنیم؟ آن را برای آنها سه بار تکرار  
می‌کند، وقتی آنها می‌بینند که هر چه  
را بخواهند به آنها داده می‌شود، می‌-  
گویند: ای پروردگار! می‌خواهیم تا  
روح‌های ما را به جسدهای ما  
برگردانی تا آن که به دنیا برگردیم و  
در راه تو یکبار دیگر کشته شویم! و  
این وقتی است که می‌بینند که نیازی

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 49

به هر چیزی که داشته باشند، از آن خودداری نمی‌شود). (صحیح) نگاه شود به حدیث شماره‌ی: 1558 در صحیح الجامع.

10- «إِنَّ اللَّهَ أَذِنَ لِي أَنْ أُحَدِّثَ عَنْ دِيكٍ قَدْ مَرَّقَتْ رِجْلَاهُ الْأَرْضَ وَعُنُقُهُ مِثْنِيَّةٌ تَحْتَ الْعَرْشِ وَهُوَ يَقُولُ : سُبْحَانَكَ مَا أَعْظَمَكَ ! فَيُرَدُّ عَلَيْهِ : لَا يَعْلَمُ ذَلِكَ مِنْ حَلْفِ بِي كَاذِبًا» (الله [تعالی] به من اجازه داده است تا درباره‌ی خروسی صحبت کنم که

## 50//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

پاهای او زمین را شکافته است و گردن او متصل به عرش می‌باشد و او [دائماً!] می‌گوید: پاک و منزّه هستی [یا الله] چقدر بزرگ و با شکوه می‌باشی! و به او جواب داده می‌شود: کسی که به دروغ به من قسم بخورد، آن [عظمت را] درک نخواهد کرد). (صحیح) نگاه شود به حدیث شماره-  
ی: 1714 در صحیح الجامع.

شرح: «إن الله أذن لي أن أحدث عن  
ديك» به معنای سخن گفتن از بزرگ

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 51

بودن جثه‌ی خروسی که مخلوق الله تعالی می‌باشد، به این معنا که از فرشته‌ای که به شکل خروس است و منظور خروس حقیقی نمی‌باشد، همان گونه که در روایتی دیگر به آشکارا بیان فرموده است که برای الله تعالی در آسمان فرشته‌ای وجود دارد که به او خروس گفته می‌شود... الی آخر.

«قد مرقت رجلاه الأرض» به این معنا که به آن می‌رسد و آن را تا طرف دیگر می‌شکافد، همان طور که در

## 52//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

صحاح گفته شده است: «مرق السهم  
خرج من الجانب الآخر» (تیر می -  
شکافد و از طرف دیگر بیرون می -  
آید). «وعنقه مثنیة تحت العرش» به  
معنای عرش الله تعالی می باشد. «وهو  
يقول» (او می گوید:) به این معنا که  
حالت او و شعار او در سخن این  
می باشد. «سبحانک ما أعظمک» در  
روایت طبرانی افزوده است: «ربنا».  
«فیرد علیه» به معنای آن است که الله  
تعالی او را اجابت می کند، همان

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 53

خدایی که او را با سخنش آفریده است. «لا يعلم ذلک» به این معنا که عظمت قدرت من و توانایی انتقام مرا نمی‌داند. «من حلف بی کاذباً» زیرا او اگر به کامل بودن بزرگی الله تعالی بنگرد و با چشم بصیرت در عظمت آفریدگانش بر عظمت خالق تأمل نماید، جرأت قسم خوردن به اسم او را به خود نمی‌دهد و برای امری دروغین به آن قسم نمی‌خورد، همان جرأت یافتن به قسم دروغینی که فقط

## 54//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

نشأت گرفته از کمال جهل به الله  
تعالی می‌باشد و این در حالی است که  
قسم دروغ از بزرگترین گناهان می-  
باشد، حتی برای بدست آوردن  
قسمتی از چوب درخت اراک [که  
برای مسواک زدن از آن استفاده می-  
شود].

11— «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَتَبَ كِتَابًا قَبْلَ أَنْ  
يَخْلُقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْفِي عَامٍ وَ  
هُوَ عِنْدَ الْعَرْشِ وَ إِنَّهُ أَنْزَلَ مِنْهُ آيَاتٍ  
خَتَمَ بِهِمَا سُورَةَ الْبَقَرَةِ وَ لَا يَقْرَأُ فِي

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 55

دار ثلاث لیال فیقربها الشیطان» (الله تعالی کتابی را دو هزار سال قبل از آن که آسمانها و زمین را بی‌آفریند نوشته است و آن در کنار عرش می‌باشد و از آن دو آیه‌ای که سوره‌ی بقره با آنها به انتها می‌رسد را نازل نموده است و آن دو در خانه‌ای خوانده نمی‌شوند، مگر آن که شیطان سه شب به آن [خانه] نزدیک نمی‌شود). (صحیح) نگاه شود به حدیث شماره‌ی: 1799 در صحیح الجامع.

56//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

12- «إِنَّ الْمُتَحَابِّينَ بِاللَّهِ فِي ظِلِّ الْعَرْشِ» (کسانی که برای الله [تعالی] یکدیگر را دوست می‌دارند در سایه‌ی عرش خواهند بود). (صحیح) نگاه شود به حدیث شماره‌ی: 1937 در صحیح الجامع.

13- «إِنَّهَا لَا يرمى بِهَا لِمُوتِ أَحَدٍ وَلَا لِحَيَاتِهِ وَلَا لِكُنْ رَبَّنَا تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِذَا قُضِيَ أَمْرًا سَبَّحَ حَمَلَةُ الْعَرْشِ : مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ ؟ فَيُخْبِرُونَهُمْ مَاذَا قَالَ فَيَسْتَخْبِرُ بَعْضُ أَهْلِ السَّمَوَاتِ بَعْضًا

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 57

حتى يبلغ الخبر هذه السماء الدنيا  
فيخطف الجن السمع فيقذفون إلى  
أوليائهم و يرمون فما جاءوا به على  
وجهه فهو حق و لك أنهم يفرقون فيه  
فيزيدون» (بی دلیل برای کسی مرگی  
وجود ندارد و نه زندگی، بلکه  
پروردگار ما تبارک و تعالی وقتی  
امری را حکم می‌نماید، [ملائک]  
حمل کننده‌ی عرش تسبیح گفته [و  
می‌گویند:] پروردگار شما چه فرمود؟  
به آنها خبر می‌دهند که چه [فرموده

است] تا آن که بعضی از اهل آسمانها به بعضی دیگر این خبر را می‌رسانند، تا آن که خبر به آسمان دنیا می‌آید و جن‌ها آن را شنیده و می‌دزدند و به دوستان خود (کسانی که ادعای غیب دانستن می‌کنند) می‌رسانند و آنچه را که حق می‌باشد، آن را تغییر می‌دهند و به آن چیزی می‌افزایند] و در نتیجه آن غیب‌گویان در پیشگویی خود دچار اشتباه می‌شوند[. (صحیح) نگاه

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 59

شود به حدیث شماره‌ی: 2439 در صحیح الجامع.

14 – «ألا أدلك على كلمة من تحت

العرش من كنز الجنة؟ تقول: لا حول

ولا قوة إلا بالله فيقول الله: أسلم

عبدی و استسلم» (آیا تو را به سخنی

از زیر عرش که از گنجهای بهشت

می‌باشد، راهنمایی نکنم؟) [این است

که] بگویی: هیچ تغییر و قدرتی وجود

ندارد، مگر از جانب الله [تعالی]. در

نتیجه‌ی آن الله [متعال] می‌فرماید:

## 60//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

بنده‌ی من مسلمان شد و تسلیم گشت). (صحیح) نگاه شود به حدیث شماره‌ی: 2614 در صحیح الجامع.

شرح: «ألا أدلك على كلمة من تحت العرش من كنز الجنة» طیبی درباره‌ی آن گفته است: سخنش از زیر عرش، منظور صفتی است که برای سخن می‌باشد [و عبارتی که آمده است دارای این صفت می‌باشد]. جایز است که گفته شود: آن از ابتدا آنجا بوده است و از زیر عرش نشأت گرفته

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 61

است. جایز است بودن آن بیانیه باشد  
به این معنا که آن زیر عرش است و  
در آنجا استقرار دارد. حالت دوم  
بیانیه این است که وقتی گفته می‌شود:  
بهشت زیر عرش است و عرش سقف  
آن می‌باشد، جایز است که آن گنجی  
از گنجهای بهشت باشد و در بهشت  
بودن بدلی از زیر عرش بودن می-  
باشد. گفته است: این ترکیب استعاره  
نمی‌باشد به حالتی که مشبه که همان  
لا حول و لا قوه الا بالله گفتن است،

## 62//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

ذکر شده باشد و مشبه به گنج باشد، بلکه آن داخل کردن چیزی در جنس می‌باشد و آن را به صورتی بیان داشته است که آن یکی از انواع آن [گنجها] می‌باشد. گنج بر دو نوع است: حالت متعارف آن که همان مالی است که حفظ شده است و حالت دیگر این سخن جامع است: «تقول لا حول ولا قوة إلا بالله» به این معنا که اجر آن برای گوینده‌ی آن به مانند گنجی ذخیره شده است و ثواب آن برای او

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 63

مهیا شده است. «فِیْقُولُ اللّٰهُ اَسْلَمَ  
عَبْدِیْ وَاسْتَسْلَمَ» به این معنا که امر  
جهان را به الله تعالی سپرده است و  
خودش را مخلصانه تسلیم امر الله  
تعالی نموده است، زیرا تدبیر امور  
جهان را از دیگران نفی نموده است و  
آن را برای الله تعالی به ثبت رسانده  
است و عرش را محل تدبیر بیان  
داشته است، ﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَی الْعَرْشِ  
یُدْبِرُ الْأُمُورَ﴾ [یونس: 3] (سپس بر  
عرش استقرار یافت و امور را تدبیر

## 64//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

می‌نماید). سخنی که به الله تعالی نسبت داده شده است، جواب شرط محذوف است، به این معنا که وقتی بنده چنین سخنی را بگوید، **الله عَزَّ وَجَلَّ** چنین می‌فرماید.

15\_ «أَلَا أَعْلَمُكَ كَلِمَاتٍ إِذَا قُلْتَهُنَّ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ وَ إِنْ كُنْتَ مَغْفُورًا لَكَ؟  
قل: لا إله إلا الله العلي العظيم لا إله إلا الله الحليم الكريم لا إله إلا الله سبحان الله رب السموات السبع و رب العرش العظيم الحمد لله رب العالمين»

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 65

(آیا سخنانی را به تو نیاموزم که اگر آنها را بگویی، الله [تعالی] تو را می‌آمزد و تو آمرزیده خواهی بود؟ بگو: هیچ پرستش شونده‌ی برحقى جز الله والا و بزرگ وجود ندارد، هیچ پرستش شونده‌ی برحقى جز الله بسیار بردبار و گرامى وجود ندارد، هیچ پرستش شونده‌ی برحقى جز الله وجود ندارد، پاک و منزّه است الله، پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار عرش بزرگ، شکر و

## 66//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

ستایش برای الله پروردگار جهانیان است). «خط» آن را با این لفظ آورده است: «إِذَا أَنْتَ قُلْتَهُنَّ وَ عَلِيكَ مِثْلَ عَدَدِ الذَّرِّ خَطَايَا غَفَرَ اللَّهُ لَكَ» (اگر آنها را بگویی و برای تو به تعداد مورچگان خطا وجود داشته باشد، الله تعالی برای تو [آنها] را می‌آمرزد). (صحیح) نگاه شود به حدیث شماره - ی: 2621 در صحیح الجامع. عبارت دوم نزد آل‌بانی سند آن ضعیف است،

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 67

نگاه شود به ضعیف الجامع شماره‌ی:

2170.

شرح: «ألا أعلمک» ای علی!

«کلمات إذا قلتهن غفر الله لک» به

معنای [گناهان] صغیره می‌باشد. «وإن

کنت مغفوراً لک» برای گناهان کبیره.

گفت: به من بیاموز! فرمود: «قل لا

إله إلا الله العلی العظیم ، لا إله إلا الله

الحلیم الکریم ، لا إله إلا الله سبحان

الله رب السماوات السبع ورب العرش

العظیم والحمد لله رب العالمین» (بگو:

## 68//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

هیچ پرستش شونده‌ی برحقى جز الله  
والا [و] بزرگ وجود ندارد، هیچ  
پرستش شونده‌ی برحقى جز الله  
بردبار [و] گرامى وجود ندارد، هیچ  
پرستش شونده‌ی برحقى جز الله  
وجود ندارد، پاک و منزّه است الله،  
پروردگار آسمانهای هفتگانه و  
پروردگار عرش بزرگ است و شکر و  
ستایش برای الله پروردگار جهانیان  
است). حکیم گفته است: این به  
تنهایی سخن کاملی می‌باشد، در اول

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 69

او را یکتا شمرده است و به صفت  
علو(بالا بودن) و عظمت توصیف  
نموده است و او را از تمامی بدی‌ها  
پاک دانسته است، بالاتر از آن است  
که به آفریدگان تشابه داشته باشد و  
عظیم‌تر از آن است که در درک انکار  
کنندگان بگنجد و این در حالی است  
که فهم آن به آنها می‌رسد. سپس او را  
در حالت دوم یکتا دانسته است و او  
را به صفت صبر و گرامی بودن  
توصیف نموده است، بردباری او برای

آنها وسیع می‌باشد و کرم او آنها را پوشانده است، به آنچه او دوست دارد، عمل می‌کنند و او نیز با آنها، آن گونه که دوست دارند، برخورد می‌- نماید و بعد از آن، آنان را عفو می‌- نماید، در مطلب نازل شده‌اش می‌- فرماید: ﴿وَعَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ﴾ (و بعد از آن که آنچه را که دوست داشتید به شما نشان داد، نافرمانی کردید) تا آنجا که می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ﴾ (و همانا شما را

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 71

آمرزید)، این برخورد او می‌باشد، سپس او را تسبیح گفته و در خاتمه او را شکر و ستایش نموده است.

16- «فضلنا علی الناس بثلاث:

جعلت صفوفنا كصفوف الملائكة و

جعلت لنا الأرض كلها مسجدا و

جعلت تربتها لنا طهورا إذا لم نجد

الماء و أعطيت هذه الآيات من آخر

سورة البقرة من كنز تحت العرش لم

يعطها نبی قبلی» (بر مردم در سه چیز

برتری یافتیم: صفهای ما به مانند

## 172/چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

صفهای ملائک شد، تمامی زمین برای ما محل سجده واقع شد و خاک آن وقتی آب نیاییم برای ما مایه‌ی پاکی می‌شود و این آیات آخر سوره‌ی بقره از گنجی زیر عرش داده شد که به هیچ پیامبری قبل از من داده نشده است). (صحیح) نگاه شود به حدیث شماره‌ی: 4223 در صحیح الجامع.

17- «فی الجنة مائة درجة ما بین کل درجتین كما بین السماء و الأرض و الفردوس أعلاها درجة و منها تفجر

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 73

أنهار الجنة الأربعة و من فوقها يكون  
العرش فإذا سألتم الله فسلوه  
الفردوس» (در بهشت صد درجه  
وجود دارد، بین هر دو درجه به  
اندازه‌ی آسمان و زمین فاصله وجود  
دارد و بالاترین درجه‌ی آن فردوس  
است که از آن نهرهای چهارگانه‌ی  
بهشت جاری می‌شود و بالای آن  
عرش وجود دارد، اگر از الله [تعالی]  
درخواستی داشتید، فردوس را از او  
بخواهید). (صحیح) نگاه شود به

## 74//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

حدیث شماره‌ی: 4244 در صحیح الجامع.

شرح: «فی الجنة مائة درجة» منظور از صد، زیاد بودن آن است و منظور از درجه، بالا بودن آن است. «ما بین کل درجتین كما بین السماء والأرض» این تفاوت می‌تواند مادی باشد و می‌تواند، معنوی باشد و منظور از درجه مرتبه باشد و هر کس به او سبحانه نزدیک‌تر باشد، دارای درجه - ای بالاتری از دیگران می‌باشد.

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 75

«والفردوس أعلاها درجة» والا بودن منظور دور بودن از پایینی و اخلال در گرمی بودن آن است. «ومنها تفجر» به این معنا که جاری می‌شود. «أنهار الجنة الأربعة» نهر آب، نهر شیر، نهر شراب و نهر عسل و این موارد چهار گونه‌اند و بر اساس نوع آنها چهارتا هستند و نه بر اساس تعداد آنها، بدین صورت که آنها دارای چهار نوع هستند و نه این که تعداد آنها چهارتا است. «ومن فوقها یكون العرش» به

## 176 // چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

معنای عرش [الله] بسیار رحمت کننده.  
«فإذا سألتم الله» بهشت [را از الله  
تعالی خواستید]. «فاسألوه الفردوس»  
زیرا آن بافضیلت‌ترین و بالاترین  
[درجه‌ی] آن است. ابن قیم رحمه الله  
گفته است: وقتی عرش به فردوس  
نزدیکترین است، بدین صورت که  
بهشتی بالای آن وجود ندارد و چیزی  
بین آن و عرش موجود نمی‌باشد،  
عرش سقفی برای آن می‌شود که برای  
درجات دیگر بهشت چنین چیزی

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله 77

وجود ندارد و به علت بزرگ بودن وسعت بهشت و نهایت ارتفاع آن، بالا رفتن از پایین‌ترین قسمت تا بالاترین قسمت آن باید درجه به درجه طی شود، همان گونه که به کسی که [در دنیا] قرآن می‌خواند، [در آخرت] گفته می‌شود: بخوان و بالا برو!

18 — «قال الله تعالى : حقت محبتی

على المتحابين اظلمهم فى ظل العرش

يوم القيامة يوم لا ظل الا ظلى» (الله

تعالى می‌فرماید: حق محبت من بر

کسانی که [به خاطر من] همدیگر را دوست دارند این است که آنان را در زیر سایه‌ی عرش قرار می‌دهم، روزی که سایه‌ای جز سایه‌ی من نیست). (صحیح) نگاه شود به حدیث شماره -  
ی: 4320 در صحیح الجامع.

19 - «قولی : اللهم رب السموات السبع و رب العرش العظيم ربنا و رب كل شيء منزل التوراة و الإنجيل و القرآن فالق الحب و النوى أعوذ بك من شر كل شيء أنت آخذ بناصيته

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 79

أنت الأول فليس قبلك شيء و أنت  
الآخر فليس بعدك شيء و أنت  
الظاهر فليس فوقك شيء و أنت  
الباطن فليس دونك شيء اقض عني  
الدين و أغنني من الفقر» (بگو: یا الله!  
پروردگار آسمانهای هفتگانه و  
پروردگار عرش عظیم! پروردگار ما!  
پروردگار همه چیز! نازل کننده‌ی  
تورات و انجیل و قرآن! شکافنده‌ی  
دانه و هسته! به تو پناه می‌برم از شر  
تمامی آنچه پیشانی آن در دست

## 80//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

توست(زمام آن در دست توست)، تو  
اول هستی و چیزی قبل از تو نبوده  
است و تو آخر هستی و چیزی بعد از  
تو نمی‌باشد و تو ظاهر هستی و بالای  
تو چیزی نیست و تو باطن هستی و  
هیچ چیز پایین‌تر از تو نیست، دین ما  
را پرداخت کن و من را از فقر بی‌نیاز  
گردان). (صحیح) نگاه شود به حدیث  
شماره‌ی: 4424 در صحیح الجامع.

20\_ «كلمات الفرج : لا إله إلا الله

الحلیم الکریم لا إله إلا الله العلی

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 81

العظیم لا إله إلا الله رب السموات  
السبع و رب العرش الکریم» (کلمات  
گشایش: پرستش شونده‌ی برحقى جز  
الله بسیار بردبار بسیار گرامى وجود  
ندارد، پرستش شونده‌ی برحقى جز  
الله بالا و بزرگ وجود ندارد، پرستش  
شونده‌ی برحقى جز الله پروردگار  
آسمانهای هفتگانه و پروردگار عرش  
گرامى وجود ندارد). (صحیح) نگاه  
شود به حدیث شماره‌ی: 4571 در  
صحیح الجامع.

شرح: حکیم گفته است: این دعایی است که نزد اهل بیت معروف و مشهور می‌باشد، آن را دعای فرج نامیده‌اند و آن را در سختی و گرفتاری‌ها به زبان می‌آورند و از آن فریاد خواهی و فرج حاصل می‌شود.

21 – «کان يدعو عند الكرب : لا إله

إلا الله العظيم الحليم لا إله إلا الله رب

العرش العظيم لا إله إلا الله رب

السموات السبع و رب الأرض و رب

العرش الكريم» (هنگام مشکلات به

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 83

دعایی می‌خواند: هیچ پرستش  
شونده‌ی بر حقی جز الله بزرگ و  
بردبار وجود ندارد، هیچ پرستش  
شونده‌ی بر حقی جز الله، پروردگار  
عرش بزرگ وجود ندارد، هیچ  
پرستش شونده‌ی بر حقی جز الله  
پروردگار آسمانهای هفتگانه و  
پروردگار زمین و پروردگار عرش  
گرامی وجود ندارد. (صحیح) نگاه  
شود به حدیث شماره‌ی: 4940 در  
صحیح الجامع.

شرح: «کان یدعو عند الکرّب» به معنای زمان اتفاق افتادن آن می- فرمود: «لا إله إلا الله العظیم» کسی که بزرگتر از او چیزی وجود ندارد. «الحلیم» کسی که با وجود توانایی داشتن، مجازات را به عقب می‌اندازد. «لا إله إلا الله رب العرش العظیم» در روایتی «العظیم» و «الکریم» با رفع آمده‌اند تا صفت‌هایی برای رب (پروردگار) باشند و در روایت جمهور با جر آمده است تا صفتی

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 85

برای عرش باشد. طیبی گفته است: در اول ستایش رب یاده شده است، زیرا او با پروردگاری‌اش، طوفانهای بلا را با حکم نمودنش از بین می‌برد. «لا إله إلا الله رب السماوات السبع ورب الأرض ورب العرش الکریم» گفته‌اند: این دعای بزرگ شایسته است که به آن توجه شود و در هنگام مشکلات بزرگ بسیار تکرار شود، در آن لا اله الا الله گفتن وجود دارد که مشتمل بر توحید است و آن اصل پاک شمردن

بزرگی و عظمت است و دلیلی بر تمام قدرت او می‌باشد، بردباری دلیلی بر علم اوست بر خلاف تصور جاهلان که او را بردبار و گرامی نمی‌دانند و آن دو صفت، اصل توصیفات گرامی داشتن است. امام ابن جریر گفته است: «پیشینیان با آن دعا می‌کردند و آن را دعای مشکلات نامیده‌اند. با وجود این که آن ذکر می‌باشد، به منزله‌ی دعا می‌باشد و خبری بر آن است که مشغول شدن شخص به این

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 87

ذکر او را از درخواست باز می‌دارد»  
اشاره دارد به این که بر کسانی که آن  
را ذکر می‌دانند و دعا محسوب نمی‌-  
کنند، رد آورده است و جواب بعضی  
از آنها این است که منظور از آن  
شروع نمودن دعا با این ذکر می‌باشد  
و بعد از این که این ذکر بیان شد، هر  
چه که خواسته می‌شود، طلب گردد،  
تا آن طلب معادل ذکری شود که بیان  
شده است.

22\_ «لما أصيب إخوانكم بأحد جعل الله أرواحهم في جوف طير خضر ترد أنهار الجنة تأكل من ثمارها و تأوى إلى قناديل من ذهب معلقة في ظل العرش فلما وجدوا طيب مأكلهم و مشربهم و مقيلهم قالوا : من يبلغ إخواننا عنا أنا أحياء في الجنة نرزق لئلا يزهدوا في الجهاد و لا يتكلوا عند الحرب ؟ فقال الله تعالى : أنا أبلغهم عنكم» (وقتی کشته شدن برای یکی از برادران شما اتفاق می‌افتد، الله

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 89

[تعالی] روح‌های آنها را در درون  
پرندگان سبز قرار می‌دهد که در  
نهرهای بهشت تردد می‌کنند و از  
میوه‌های آن می‌خورند و در  
فانوسهایی که در سایه‌ی عرش  
هستند، منزل می‌گزینند. وقتی پاکِ  
خوراکی، نوشیدنی و سخن گفتنشان  
را می‌یابند، می‌گویند: چه کسی از  
طرف ما به برادران ما می‌رساند که ما  
در بهشت زنده هستیم و روزی می‌-  
خوریم، تا آن که برای جهاد، به دنیا

## 90//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

بی‌اعتنایی بورزند و در هنگام جنگ  
[به آن دنیا] میلی نداشته باشند؟ در  
این هنگام الله تعالی می‌فرماید: من از  
جانب شما به آنها می‌رسانم).  
(صحیح) نگاه شود به حدیث شماره -  
ی: 5205 در صحیح الجامع.

23 - «لما قضی الله الخلق کتب فی  
کتابه فهو عنده فوق العرش : إن  
رحمتی غلبت غضبی» (وقتی الله  
[تعالی] آفرینش را حکم نمود، در  
کتابش که نزد او بالای عرش است

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 91

نوشت: رحمت من بر غضب من غلبه  
نموده است). (صحیح) نگاه شود به  
حدیث شماره‌ی: 5214 در صحیح  
الجامع.

24 — «ما قال عبد لا إله إلا الله قط  
مخلصا إلا فتحت له أبواب السماء  
حتى تفضى إلى العرش ما اجتنب  
الكبائر» (بنده‌ای مخلصانه نمی‌گوید:  
لا اله الا الله مگر آن که در بهای  
آسمان باز می‌شود تا [سخن او] به  
عرش برسد، این در صورتی است که

از گناهان کبیره خودداری کند).  
(حسن) نگاه شود به حدیث شماره‌ی:  
5648 در صحیح الجامع.

شرح: «ما قال عبد لا إله إلا الله قط  
مخلصاً» خالصانه از قلبش. «إلا  
فتحت له أبواب السماء» به این  
معناست که از روی گفتن آن سخن،  
برای آنها باز می‌شوند و این دائماً  
وجود دارد تا زمانی که گواهی دادن  
بالا رود. «حتى تفضى إلى العرش» به  
این معنا که در انتها به آن می‌رسد.

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 93

«ما اجتنبت الكبائر» این در زمانی است که گوینده‌ی آن از گناهان کبیره خودداری کند و این امری آشکار می‌باشد بر رد کسانی که می‌گویند: تمامی گناهان کبیره است و گناه صغیره وجود ندارد.

25 – «ما من مسلم يعود مریضا لم يحضر أجله فيقول سبع مرات : أسأل الله العظيم رب العرش العظيم أن يشفيك إلا عوفي» (مسلمانی نیست که مریضی را عیادت کند که زمان

## 94//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

اجل او نرسیده است و هفت بار بگوید: «از الله بزرگ، پروردگار عرش بزرگ درخواست می‌نمایم تا تو را شفا دهد» مگر آن که رنج او پایان می‌یابد. (صحیح) نگاه شود به حدیث شماره‌ی: 5766 در صحیح الجامع.

26 — «من عاد مریضا لم يحضر أجله فقال عنده سبع مرات : أسأل الله العظيم رب العرش العظيم أن يشفيك إلا عافاه الله من ذلك المرض» (کسی

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 95

که مریضی را عیادت کند که زمان اجل او نرسیده باشد و نزد او هفت بار بگوید: «از الله بزرگ، پروردگار عرش بزرگ، درخواست می‌نمایم که تو را شفا دهد» جز این نیست که الله [تعالی] او را از آن مرض رهایی می‌دهد. (صحیح) نگاه شود به حدیث شماره‌ی: 6388 در صحیح الجامع.

27- «من نفس عن غریمه أو محامنه کان فی ظل العرش یوم القیامة»  
(کسی که برای بدهکارش گشایش

## 96//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

ایجاد کند یا از او درگذرد در روز  
قیامت در سایه‌ی عرش خواهد بود).  
(صحیح) نگاه شود به حدیث شماره -

ی: 6576 در صحیح الجامع

شرح: «مَنْ نَفَّسَ» به این معنا که  
مهلت دهد و جلوی گلوگیر شدن  
[بدهکار] را بگیرد. عایض گفته است:  
به او مهلت دهد تا او آرام گیرد و  
پرداخت قرض را به تاخیر بیندازد و  
از آن این مورد است: ﴿وَالصُّبْحِ إِذَا  
تَنَفَّسَ﴾ [التکویر: 18] (و هنگامی که

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 97

صبح دمیدن گرفت) به این معنا که ادامه یافت تا آن که روز شد. «عن غریمه» (از بدهکارش) درباره‌ی آخرین مطالبه می‌باشد. «أو محاعنه» بدین شکل که او قرضی که نوشته شده است را در نظر نگیرد. «کان فی ظل لعرش یوم القیامه» زیرا تنگ دستی از بزرگترین مشکلات دنیا است، بلکه آن بزرگترین مشکل می‌باشد و بدین شکل است که کسی که احدی را از این بلا نجات می‌دهد، از

بزرگترین مشکل آخرت راحت می‌شود و آن مشکل، همان ترس و هراسی است که در موقف وجود دارد و سختی‌های آن در هنگام گذارندن آن می‌باشد و او را به شریفترین مقامها رسانده و این گونه است که ثواب کار مستحب کاملتر از ثواب کار واجب می‌باشد.

28 — «هَذَا الَّذِي تَحَرَّكَ لَهُ الْعَرْشُ  
وَفُتِحَتْ لَهُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَشَهِدَهُ  
سَبْعُونَ أَلْفًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ لَقَدْ ضُمَّ ضُمَّ»

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 99

ثُمَّ فُرِّجَ عَنْهُ» (این کسی که عرش برای او به لرزه افتاد و دربهای آسمان برای او باز شد و هفتاد هزار ملائک او را دیدند، دچار تنگی شد، سپس برای او گشایش ایجاد شد). (صحیح) نگاه شود به حدیث شماره‌ی: 6987 در صحیح الجامع.

29\_ «لا تخيروا بين الأنبياء فإن الناس يصعقون يوم القيامة فأكون أول من تنشق عنه الأرض فإذا موسى أخذ بقائمة من قوائم العرش فلا أدري كان

## 100//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

فیمن صعق أم حوسب بصعقته  
الأولی؟» (پیامبران را بر یکدیگر  
برتری ندهید! مردم روز قیامت  
بیهوش می‌شوند و بعد از آن اولین  
کسی که زمین برای او شکافته می-  
شود، من هستم. در آن هنگام است که  
موسی ستونی از عرش را گرفته است  
و نمی‌دانم از کسانی است که بیهوش  
شده است و یا با بیهوشی اول مورد  
حساب و کتاب واقع شده است).

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 101

(صحیح) نگاه شود به حدیث شماره -

ی: 7257 در صحیح الجامع.

30 - «لا تخیرونی علی موسیٰ فإِن

الناس یصعقون یوم القیامه فاصعق

معهم فأكون أول من یفیع فإذا موسیٰ

باطش بجانب العرش فلا أدری أكان

فیمن صعق فأفاق قبلی أو كان ممن

استثنی الله؟» (مرا بر موسیٰ برتری

ندهید، مردم روز قیامت بیهوش می -

شوند و من نیز همراه آنها بیهوش

می شوم و من اولین کسی هستم که

## 102//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

برانگیخته می‌شود، در آن هنگام است  
که موسی کنار عرش می‌باشد و نمی-  
دانم آیا از کسانی است که بیهوش  
شده است و قبل از من برانگیخته شده  
است یا از استثنائات الله [تعالی] می-  
باشد؟). (صحیح) نگاه شود به حدیث  
شماره‌ی: 7258 در صحیح الجامع.

31 – «یا ابا ذر! هل تدری این  
تذهب الشمس إذا غابت؟ فإنها  
تذهب حتی تأتي العرش فتسجد بین  
یدی ربها فتستأذن فی الرجوع فیأذن

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 103

لها و كأنها قد قیل لها : ارجعی من  
حیث جئت فتطلع من مغربها فذلک  
مستقرها» (ای ابوذر! آیا می‌دانی  
خورشید کجا می‌رود، وقتی پنهان  
می‌شود؟ آن می‌رود تا آن که به [زیر]  
عرش می‌رسد و در پیشگاه آن سجده  
می‌کند و برای بازگشت اجازه می‌-  
خواهد و به او اجازه داده می‌شود و به  
مانند آن است که به او گفته می‌شود:  
بازگرد از جایی که آمدی و آن از  
مغرب طلوع می‌کند و آن محل قرار

## 104//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

گیری‌اش می‌باشد)۴. (صحیح) نگاه  
شود به حدیث شماره‌ی: 7828 در  
صحیح الجامع.

32— «يجيء المقتول بالقاتل يوم  
القيامة ناصيته و رأسه بيده و أوداجه

---

4 - درباره‌ی این حدیث در حدیث شماره‌ی  
1 توضیحی داده شد. نکته دیگری که وجود  
دارد این است که در موارد غیر مادی مانند  
عرش بهتر است آن مجهول فرض کنیم و  
دانستن تأویل آن را برای قیامت  
بگذاریم. (مترجم)

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 105

تشخب دما فیقول : یا رب ! سل هذا  
فیم قتلنی؟ حتی یدنیه من العرش»  
(مقتول قاتل را روز قیامت می‌آورد و  
پیشانی و سر او در دست وی می‌باشد  
و از رگهای او خون جاری می‌شود،  
می‌گوید: ای پروردگار! از این پرس  
برای چه مرا کشت؟ تا آن که او را  
نزدیک عرش می‌گرداند). (صحیح)  
نگاه شود به حدیث شماره‌ی: 8031  
در صحیح الجامع.

33 — «الرحم شجنه [الرحمن] معلقة بالعرش» (رحم از ریشه‌ی [رحمان] است و به عرش آویزان می‌باشد). (صحیح) نگاه شود به حدیث شماره-ی: 3547 در صحیح الجامع.

34 — «الرحم معلقة بالعرش تقول: من وصلنی وصله الله و من قطعنی قطعه الله» (رحم به عرش آویزان است و می‌گوید: کسی که پیوند [فامیلی] مرا بجا بیاورد، الله [تعالی] پیوند او را بجا می‌آورد و کسی که رابطه‌ی

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 107

[فامیلی] مرا قطع کند، الله [تعالی] از او قطع می‌نماید). (صحیح) نگاه شود به حدیث شماره‌ی: 3549 در صحیح الجامع.

شرح: «الرحم معلقة بالعرش» به این معنا که به آن چنگ زده است و ستونی از ستونهای آن را گرفته است. «تقول من وصلنی وصله الله ومن قطعنی قطعه الله» به این معنا که کمال عنایت خود را از او قطع می‌نماید حتی اگر اتفاقات و دعاها از او سر

## 108//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

بزند. قرطبی گفته است: صله‌ی رحم به صورت عام و خاص انجام می‌گیرد، عام آن ارتباطی است که در دین آمده است و واجب است با مهربانی، خیرخواهی، عدالت، انصاف و برپا داشتن حق انجام گیرد و این واجب است، ولی حالت دیگر آن مستحب است و خاص می‌باشد و آن انفاق کردن برای نزدیکان و جویا شدن حال آنها و صرف نظر از لغزش آنهاست و این بر اساس استحقاق

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 109

فامیل فرق می‌کند و باید به نزدیکتر توجه بیشتری صورت گیرد. ابن اُبی جمرة گفته است: «صله‌ی رحم با دادن مال، بر طرف کردن نیازها، دفع ضرر، خوش‌رویی و دعا کردن می‌باشد و معنای جامع آن این است که هر آنچه از خیر امکان دارد را انسان به آنها برساند و هر آنچه از شر وجود دارد را در حد امکان بر طرف نماید و این به اندازه‌ی توان شخص است و تمامی این موارد برای فامیل و از

## 110//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

روی استقامت باید صورت گیرد و اگر آنها کافر و گناهکار باشند و باید با آنها صله‌ی رحم صورت گیرد، ولی به شرط کوشش نمودن در پند دادن به آنها و اعلام داشتن به آنها که اگر در کفر و گناه خود اصرار داشته باشند، این امر باعث قطع رابطه با آنها می‌شود و در این هنگام است که صله‌ی رحم با آنها، دعای خیر نمودن برای آنها در حالت پنهانی می‌باشد و این امر باید با استقامت صورت گیرد».

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 111

ذهبی گفته است: «قطع صله‌ی رحم شامل، ستم نمودن به آنها و کوتاهی کردن در حق آنها و با نادانی با آنها رفتار نمودن نیز می‌باشد و کسی که با مالش، محبتش، گشاده‌رویی‌اش و دیدار با آنها این کار را انجام دهد او صله‌ی رحم بجا آورده است و کسی که بعضی از آنها را انجام دهد و بعضی دیگر را ترک کند، او رفتاری بین صله‌ی رحم و قطع آن را انجام داده است و مردم در این امر با یکدیگر

## 112//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

فرق دارند و کسی است که صله‌ی  
رحم را قطع می‌نماید، زیرا فامیل او  
فاسق، نافرمان هستند و عناد می‌-  
ورزند».

35 \_ «لا تفضلوا بین أنبیاء الله فإنه  
ینفخ فی الصور فیصعق من فی  
السموات و من فی الأرض إلا ما شاء  
الله ثم ینفخ فیہ أخرى فأکون أول من  
بعث فإذا موسی أخذ بالعرش فلا  
أدری أحوسب بصعقته یوم الطور أم  
بعث قبلی و لا أقول إن أحدا أفضل

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 113

من یونس بن متی « (بین پیامبرانِ الله [تعالی] برتری ندهید، زیرا وقتی [بار اول در] صور دمیده می‌شود، هر کس در آسمانها و در زمین است، بیهوش می‌گردد، مگر آنچه که الله [متعال] بخواند، سپس بار دیگر در آن دمیده می‌شود و من اولین کسی هستم که برانگیخته می‌شود و در آن هنگام است که موسی عرش را گرفته است و نمی‌دانم برای بیهوش شدنش در روز کوه طور مورد حساب و کتاب قرار

## 114//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

گرفته است [و دیگر با دمیدن صور  
بیهوش نگشته است] یا قبل از من  
برانگیخته شده است و نمی‌گویم که  
حتی یک نفر برتر از یونس بن  
متی [علیه السلام] است. (صحیح) نگاه شود  
به حدیث شماره‌ی: 7377 در صحیح  
الجامع.

36— «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مِائَةً دَرَجَةً أَعْدَهَا  
اللَّهُ لِلْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَا بَيْنَ  
الدرجتين كما بين السماء والأرض  
فإذا سألتم الله فسلوه الفردوس فإنه

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 115

أوسط الجنة وأعلى الجنة و فوقه  
عرش الرحمن و منه تفجر أنهار  
الجنة» (در بهشت صد درجه وجود  
دارد که الله [متعال] آن را برای  
مجاهدان در راه الله مهیا نموده است،  
بین هر دو درجه فاصله‌ی بین آسمان  
و زمین وجود دارد، اگر از الله [متعال]  
چیزی خواستید، فردوس را بخواهید،  
زیرا آن وسط بهشت و بالاترین  
درجه‌ی آن است و در بالای آن  
عرش [الله] رحمن وجود دارد و از آن

## 116//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

نهرهای بهشت سرچشمه می‌گیرند).  
(صحیح) نگاه شود به حدیث شماره-  
ی: 2126 در صحیح الجامع.

37 – «اهتز عرش الرحمن لموت  
سعد بن معاذ» (عرش برای مرگ سعد  
بن معاذ به لرزش افتاد). (صحیح) نگاه  
شود به حدیث شماره‌ی: 2521 در  
صحیح الجامع.

شرح: «اهتز عرش الرحمن لموت  
سعد بن معاذ» به این معنا که از روی  
سرور و شادی به حرکت افتاد، زیرا او

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 117

از سرزمین فنا شدن به سرزمین باقی ماندن انتقال یافته بود، زیرا روح‌های شهیدان در زیر عرش مستقر هستند و در فانوس‌های آن پناه می‌گیرند... سخن وی صلی الله علیه و آله با گفتن: «عرش الرحمن» عبارتی آشکار است که سخنان کسانی که عرش را تختی می‌دانند که بر آن حمل صورت می‌گیرد را رد می‌نماید، ابن قیم رحمه الله گفته است: سعد رضی الله عنه در بین انصار به منزلت ابوبکر صدیق در بین مهاجرین

## 118//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

بود، در راه الله تعالی سرزنش سرزنش کننده‌ای را قبول نکرد و در انتها با شهادت زندگی را به پایان برد و رضایتمندی الله تعالی و رسولش را بر رضایتمندی، اقوام و همپیمانانش برتری دارد و حکم او با حکم الله تعالی که بالای آسمانهای هفتگانه می‌باشد، موافق شد. جبرئیل علیه السلام روز مرگ او را خبر داد و سزاوار او این بود که عرش برای او به تکان خوردن بیافتد.

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 119

38 — «الجنة مائة درجة ما بين كل درجتين كما بين السماء و الأرض و الفردوس أعلى الجنة و أوسطها و فوقه عرش الرحمن و منها يتفجر أنهار الجنة ف إذا سألتهم الله فاسألوه الفردوس» (بهشت صد درجه دارد و بين هر دو درجه به اندازه‌ی فاصله‌ی آسمان و زمین است و فردوس بالاترين جای بهشت است و وسط آن می‌باشد و بالای آن عرش [الله] رحمن است، از آنجا چشمه‌های

## 120//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

بهشت جاری می‌شوند، پس اگر چیزی از الله [تعالی] خواستید، از او فردوس را بخواهید!). (صحیح) نگاه شود به حدیث شماره‌ی: 3121 در صحیح الجامع.

39 — «ذر الناس يعملون فإن الجنة مائة درجة ما بین كل درجتین كما بین السماء و الأرض و الفردوس أعلاها درجة و أوسطها و فوقها عرش الرحمن و منها تفجر أنهار الجنة فإذا سألتم الله فاسألوه الفردوس» (مردم به

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 121

این دل خوش نکنند، بهشت دارای صد درجه است و بین هر دو درجه به مانند فاصله‌ی بین آسمان و زمین است و فردوس بالاترین درجه‌ی آن است و وسط آن می‌باشد و بالای آن عرش [الله] رحمان است و از آن نهرهای بهشت جاری می‌شود، پس اگر چیزی از الله خواستید، فردوس را از او بخواهید!). (صحیح) نگاه شود به حدیث شماره‌ی: 3429 در صحیح الجامع.

## 122//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

شرح: «ذوالناس يعملون» باعث طمع کردن آنها و ترک نمودن عمل و اعتماد نمودن به امید داشتن محض صورت نگیرد. «فإن الجنة مائة درجة ما بين كل درجتين كما بين السماء والأرض» داخل شدن به بهشت فقط از روی فضل الله تعالی است و به میزان اعمال نمی‌باشد، ولی بالا رفتن درجات از روی میزان اعمال است. «والفردوس» به معنای بهشت فردوس. «أعلىها درجة وأوسطها

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 123

وفوقها عرش الرحمن» آن [عرش]  
سقفش می‌باشد. «ومنها تفجر أنهار  
الجنة فإذا سألتم الله فاسأله  
الفردوس» ابن قیم رحمه الله گفته  
است: پاکترین موجودات و برترین  
آنها و نورانی‌ترین آنها و بالاترین آنها  
در ذات و منزلت عرش [الله] رحمان  
است و هر چیزی که به عرش نزدیکتر  
باشد، نورانی‌تر و باارزش‌تر است و به  
همین دلیل فردوس بالاترین جای  
بهشت و برترین مکان آن می‌باشد.

40\_ «إِنَّ يَمِينَ اللَّهِ مَلَأَى لَا يَغِيضُهَا  
نَفَقَةً سَحَاءَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَرَأَيْتُمْ مَا  
أَنْفَقَ مِنْذَ خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ؟  
فَإِنَّهُ لَمْ يَغِيضْ مَا فِي يَمِينِهِ وَعَرْشَهُ  
عَلَى الْمَاءِ وَبِيَدِهِ الْآخِرَى الْقَبْضَ يَرْفَعُ  
وَ يَخْفِضُ» (دست الله [تعالی]، پُر است  
و انفاق، چیزی از آن، کم نمی‌کند. او  
شب و روز می‌بخشد. آیا نمی‌بینید که  
از بدو آفرینش آسمانها و زمین، چقدر  
انفاق کرده؟ ولی چیزی از آنچه در  
دست راست دارد، کم نشده است. و

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 125

عرش او بر روی آب، قرار دارد. و در دست دیگرش گرفتن وجود دارد که [مقام را] بالا و پایین می‌برد). (صحیح) نگاه شود به حدیث شماره - ی: 2277 در صحیح الجامع.

41\_ «ألا أعلمك كلمات تقولینها؟

سبحان الله عدد خلقه سبحان الله عدد

خلقه سبحان الله عدد خلقه سبحان الله

رضا نفسه سبحان الله رضا نفسه

سبحان الله رضا نفسه سبحان الله زنة

عرشه سبحان الله زنة عرشه سبحان

## 126//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

الله زنه عرشه سبحان الله مداد کلماته  
سبحان الله مداد کلماته سبحان الله  
مداد کلمته» (آیا به تو سخنانی  
بیاموزم که آنها را بگویی؟ پاک و منزه  
است الله به تعداد مخلوقاتش، پاک و  
منزه است الله به تعداد مخلوقاتش،  
پاک و منزّه است الله به تعداد  
مخلوقاتش، پاک و منزّه است الله به  
اندازه‌ی رضایتمندی نفسش، پاک و  
منزه است الله به اندازه‌ی رضایتمندی  
نفسش، پاک و منزّه است الله به

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 127

اندازه‌ی رضایتمندی نفسش، پاک و  
منزه است الله به وزن عرشش، پاک و  
منزه است الله به وزن عرشش، پاک و  
منزه است الله به وزن عرشش، پاک و  
منزه است الله به تعداد سخنان [یا  
همان اراده‌ها] پیش<sup>۵</sup>، پاک و منزه است  
الله به تعداد سخنان [یا همان اراده-

---

<sup>5</sup> - زیرا الله تعالی وقتی بخواهد کاری را  
انجام دهد یا چیزی را خلق نماید، می-  
فرماید: «بشوا!» و آن امر اتفاق می-

## 128//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

ها[ایش، پاک و منزّه است الله به تعداد سخنان [یا همان اراده‌ها]ایش).  
(صحیح) انظر حدیث رقم: 2624 فی صحیح الجامع

42 — «کتب الله تعالی مقادیر الخلائق قبل أن یخلق السموات و الأرض بخمسين ألف سنة و عرشه علی الماء»  
(الله تعالی تقدیرهای مخلوقات را پنجاه هزار سال قبل از آفرینش آسمانها و زمین نوشته است و عرش او بر آب قرار دارد). (صحیح) نگاه

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 129

شود به حدیث شماره‌ی: 4474 فی صحیح الجامع.

43 — «لَقَدْ قُلْتُ بَعْدَكَ أَرْبَعَ كَلِمَاتٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ لَوْ وَزَنْتَ بِمَا قُلْتَ مِنْذُ الْيَوْمِ لَوَزَنْتَهُنَّ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ عَدَدَ خَلْقِهِ وَرِضَا نَفْسِهِ وَزِنَةَ عَرْشِهِ وَمَدَادَ كَلِمَاتِهِ» (بعد از تو چهار سخن را سه بار گفتم، اگر با سخنانی که امروز گفته‌ای مقایسه شود، به میزان آنها می‌رسد: پاک و منزّه است الله و او را شکر و ستایش گفته به تعداد

## 130//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

مخلوقاتش و رضایتمندی نفسش و وزن عرشش و تعداد سخنان [یا همان اراده‌ها]یش). (صحیح) نگاه شود به حدیث شماره‌ی: 5139 در صحیح الجامع.

44\_ «من أنظر معسرا أو وضع له أظله الله يوم القيامة تحت ظل عرشه يوم لا ظل إلا ظله» (کسی که بده فقیری مهلت دهد [تا قرض خود را دیرتر بدهد] یا آن [قرض] را بده او ببخشد، الله [تعالی] او را در روز

## چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 131

قیامت زیر سایه‌ی عرش خود قرار می‌دهد، روزی که سایه‌ای نیست، مگر سایه‌ی او). (صحیح) نگاه شود به حدیث شماره‌ی: 6107 در صحیح الجامع.

45 — «يد الله ملأى لا يغيضها نفقه سحاء الليل و النهار أرايتم ما أنفق منذ خلق السموات و الأرض ؟ فإنه لم يغيض ما فى يده و كان عرشه على الماء و بيده الميزان يخفض و يرفع» (دست الله [تعالی]، پُر است و انفاق،

## 132//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

چیزی از آن، کم نمی‌کند. او شب و روز می‌بخشد. آیا نمی‌بینید که از بدو آفرینش آسمانها و زمین، چقدر انفاق کرده است؟ ولی چیزی از آنچه در دست دارد، کم نشده است. و عرش الله [تعالی] بر روی آب، قرار دارد. ترازو در دست اوست، [رزق را] کم و زیاد می‌کند) (صحیح) نگاه شود به حدیث شماره‌ی: 8066 در صحیح الجامع.

چهل حدیث درباره‌ی عرش الله // 133

پایان

134//چهل حدیث درباره‌ی عرش الله

ما را در دعای نیکتان فراموش  
نکنید، و از الله بخواهید تا ما را  
بیامرزد و به ما رحم نماید و ما را به  
صالحان ملحق سازد و آخر دعوانا أن  
الحمد لله رب العالمین.

ahmedmotaz@hotmail.co  
m

تهیه کننده:

أبو أحمد معتز أحمد عبد الفتاح 23-

5-1425